

بررسی نقش فرهنگ در توسعه اقتصاد مقاومتی با نگاهی اجمالی به موانع و چالشها

محمد رضا ذبیحی (دکتری مدیریت استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد مشهد)

زینب برادران شاهرودی (دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد مشهد)

baradaran518@gmail.com

دستیابی به اقتصاد مقاومتی نیازمند بستر سازی و ایجاد شرایط و زمینه هایی است که اگر تحقق نیابد نمی توان امید داشت که اقتصاد مقاومتی در جامعه شکل گیرد. فرهنگ نقش اساسی و تعیین کننده در هر نوع تحولی از جمله تحول اقتصادی دارد. اولین شرط حرکت به سمت تولید ملی و اقتصاد مقاومتی داشتن روحیه ی جهادی است و روحیه ی یک ملت، بیش از هر چیز دیگر به فرهنگ او برمی گردد از مهمترین عواملی که اقتصاد مقاومتی بر بنیاد آن شکل می گیرد، بینش، نگرش و فرهنگ جامعه بوده که به عنوان موتور محرکه ی فعالیت های انسانی مطرح است. فرهنگ اقتصاد به مجموعه ی باورها، ارزش ها و رفتارها و نمادها در حوزه ی ثروت اطلاق می شود. که با تغییر یا تحول آن، اقتصاد مقاومتی نیز دچار تغییر و تحول خواهد شد. بنابراین به منظور دست یابی به اهداف اقتصاد مقاومتی، ضروری است فرهنگ لازمه ی آن در جامعه ایجاد و نهادینه شود تا رفتارهای اقتصادی آحاد جامعه در این مسیر گام بردارند. مهندسی فرهنگ اقتصاد مقاومتی به معنای مدیریت افکار سازی جامعه به گونه ای است که بتواند نسبت تعادلی و تکاملی را میان عوامل و متغیرهای تشکیل دهنده اقتصاد مقاومتی شکل دهد. رفع موانع و چالشها در حوزه فرهنگ مهم ترین ظرفیت برای تحقق اقتصاد مقاومتی است. در این میان میتوان از مهندسی فرهنگی به عنوان موثرترین در جهت اقناع فرهنگ جامعه یاد کرد. در این رو در مقاله حاضر ابتدا به تبیین نقش فرهنگ جامعه در پیشبرد اقتصاد مقاومتی و نقش مهندسی فرهنگی در این مسیر پرداخته و سپس موانع و چالشها را بررسی کرده و نهایتاً پیشنهاداتی ارائه داده است

کلمات کلیدی: اقتصاد مقاومتی، فرهنگ، مهندسی فرهنگی، موانع و چالشها

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۱. مقدمه

آنچه درنگاهی گذرا به عرصه فرهنگ در سطوح مختلف و حوزه های گوناگون وجود دارد، نشان دهنده این است که فرهنگ به عنوان زیر بنای جامعه انسانی بر پایه مفروضات و اصول اساسی شکل می گیرد، و بر روی آن ها ارزش های فردی و اجتماعی شکل می گیرد که در نهایت این ارزش ها به هنجارهای اجتماعی تبدیل شده و در قالب رفتار فردی و جمعی تبلور عینی می یابد. حساسیت مقام معظم رهبری نسبت به مقوله فرهنگ از بیانات ایشان همواره به خوبی ملموس و مشهود است و حکایت از اهمیت مساله فرهنگ در آینده و سرنوشت جامعه اسلامی دارد. مدتی است که در تحلیل های فرهنگی، استفاده از واژه مهندسی فرهنگی، به ویژه بعد از فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضا شورای عالی انقلاب فرهنگی در نزد مدیران فرهنگی کشور رواج یافته است. مهندسی فرهنگی بر این پیش فرض اساسی مبتنی است که فرهنگ امری ثابت و لایتغیر نیست و می توان آن را به مرور تغییر داد. فرهنگ میراث هزاران سال تلاش فکری هنری و صنعتی نسل های گذشته یک ملت است. هر نسلی اندوخته های فرهنگی و تجارب زندگی خویش را با شیوه های گوناگون به نسل بعدی منتقل می سازد، نسل بعد نیز اندوخته های خود را بر آن می افزاید و آن را به نسل پس از خویش انتقال می دهد. (رضایی، ۱۳۸۱: ۲۲)

بنابر این، برای دست یابی به اقتصاد مقاومتی نخست می بایست مدیریت فرهنگ سازی به جهت تغییرات متناسب و لازم از طریق مهندسی فرهنگ اقتصادی انجام گیرد تا جامعه در مسیری قرار گیرد که به دو اصل توانستن و مقاومت در برابر فشار برسد و شکل جدیدی از اقتصاد و تولید را سامان دهد که ضمن برآورده کردن همه نیازهای اساسی جامعه، در برابر هرگونه فشار سلطه گران و مستکبران مقاومت کند و از استقلال و خودکفایی بهره مند شود و به مسیر رشد و شکوفایی خود ادامه دهد.

بیان مسئله :

فرهنگ یک سیستم است که دارای انواع و اجزائی است. به مهندسی فرهنگ می بایست به عنوان یک مهندسی سیستم نگریسته شود. فرهنگ یک جامعه، اساس و هویت آن جامعه است. فرهنگ دارای انواعی است و در مهندسی فرهنگ همه این انواع فرهنگ باید مهندسی شوند. فرهنگ به عنوان شکل دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. اندیشیدن و تصمیم گیری جامعه بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آن ها حاکم است. (کدیور ۱۳۷۶: ۵۰)

ایده مهندسی فرهنگی به معنای نهادینه کردن فرهنگ در همه ارکان توسعه کشور مشابه همان رویکرد یونسکو در دهه

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

جهانی فرهنگ است که: فرهنگ باید پایه همه اشکال توسعه باشد. پس توسعه پایدار و متوازن در همه جوانب ممکن نخواهد بود، مگر این که پذیرش عمومی مشارکت و همراهی مردم مناطق در جریان تدوین برنامه های توسعه و به خصوص برنامه های توسعه و به خصوص برنامه توسعه فرهنگی لحاظ شود.

بخشی از مطالبه ی شعار امسال فرهنگ و بخشی اقتصاد است، آن هم با عزم ملی و مدیریت جهادی است، آن حوزه ای از فرهنگ که به اقتصاد مرتبط است و تأثیر مستقیم بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی دارد، فرهنگ اقتصادی است. این امر بالاخص باید از سوی معتقدین به نظام و معتقدین به اسلام در بازار و فعالیت های اقتصادی مطالبه و دنبال شود؛ چرا که بخشی از مشکلات ناشی از همین فرهنگ اقتصادی غلط حاکم بر جامعه است که منفعت طلبی صرف را هدف اصلی جامعه ی اسلامی قرار داده است و رضایت خاطر مادی به هر قیمتی را طبیعت انسان می داند به عبارت دیگر، شناخت دقیق جایگاه بخش های فرهنگی در مسائل اقتصادی و شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدهای موجود در هسته های کلیدی فرهنگ اقتصادی در توفیق این برنامه ریزی ها بسیار مؤثر است. با توجه به این شناخت دقیق، می توان مسائل پیش روی فرهنگ اقتصادی جامعه را ترسیم و راهکارهای مربوطه برای مدیریت این مسائل را پیش بینی نمود و با مجموعه ای اقدامات گام های معینی را برای حصول به این اهداف، مشخص نمود.

برنامه ریزی فرهنگی بدون توجه به تحولات اقتصادی سیاسی و اجتماعی موثر نخواهد بود و از طرف دیگر نیز صبقه فرهنگی باید در حوزه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. از آن جا که تلاش برای مهندسی فرهنگی و برنامه ریزی فرهنگی ضروری است، نام گذاری سال ۱۳۹۳ با عنوان «اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی» این سؤالات را به ذهن مترتب می سازد:

نقش فرهنگ، در تحقق اقتصاد مقاومتی چه می تواند باشد؟

چنانچه فرهنگ مجموعه از ارزش ها، اعتقادات، باورها و عادات در یک جامعه است چگونه می توان آن را تعریف کرد؟

مهندسی فرهنگی اقتصاد مقاومتی دارای چه مولفه ها و کارکردهایی است؟

چگونه میتوان راهکارهای اقتصاد مقاومتی را مورد شناسایی قرار داد؟

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی بوده و از طریق منابع موجود در کتابخانه ها، دانشگاه ها و نمادهای متولی موضوع در داخل کشور و اینترنت است.

پایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

پیشینه تحقیق

اقتصاد مقاومتی یکی از مولفه های اصلی مورد نظر رهبر انقلاب اسلامی است که مقالات و کتب زیادی بدان پرداخته اند. فاطمه سرخه دهی در مقاله " راهکارها و چالش های تحقق سبک زندگی اسلامی به مثابه بستر تحقق اقتصاد مقاومتی " به اثرات بنیان های فکری و نظام انگیزشی مکاتب اقتصادی مختلف پرداخته است. مجید فشاری در مقاله " بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران " شاخص ها و مولفه های اقتصاد مقاومتی به ارائه راهکارهای مناسب برای ترویج اقتصاد مقاومتی و راه حل مقابله با تحریم ها پرداخته است.

تعریف فرهنگ

فرهنگ لغات وبستر، فرهنگ را مجموعه ای از رفتارهای پیچیده انسانی که شامل افکار، گفتار اعمال و آثار هنری است و بر توانایی انسان برای یادگیری و انتقال به نسل دیگر تعریف می کند.

به عقیده هافستد فرهنگ عبارت است از: اندیشه مشترک اعضای یک گروه یا طبقه که آنها را از دیگر گروهها مجزا می کند و در جایی دیگر، فرهنگ به صورت مجموعه ای از الگوهای رفتار اجتماعی، هنرها، اعتقادات، رسوم و سایر محصولات انسان و ویژگیهای فکری یک جامعه یا ملت تعریف می شود.

ویژگیهای فرهنگ

با بررسیهای زیادی که از فرهنگهای مختلف به عمل آمده، چنین به نظر می آید که علی رغم تفاوتها موجود، همه فرهنگها دارای ویژگیهایی هستند که تعدادی از آنها را می توان به شرح زیر معرفی کرد:

۱- فرهنگ آموختنی است. فرهنگ خصوصیتی غریزی است و ذاتی نیست. فرهنگ نظامی است که پس از زاده شدن انسان در سراسر زندگی آموخته می شود.

۲- فرهنگ آموخته می شود. انسان می تواند عاداتهای آموخته شده خود را به دیگران منتقل کند.

۳- فرهنگ اجتماعی است عاداتهای فرهنگی، ریشه های اجتماعی دارند و شماری از مردم که در گروهها و جامعه ها زندگی می کنند در آن شریک اند.

۴- فرهنگ پدیده ای ذهنی و تصویری است. عاداتهای گروهی که فرهنگ از آنها پدید می آید به صورت هنجارها یا الگوهای رفتاری، آرمانی ذهنی می شوند یا در کلام می آیند.

۵- فرهنگ خشنودی بخش است. هر فرهنگی که نتواند از عهده تعیین هدف اعلائی زندگی برآید از برآوردن آرمانهای عالی حیات نیز ناتوان است. عناصر فرهنگی تا زمانی که بر افراد یک جامعه خشنودی نهایی می بخشد می توانند پایدار بمانند.

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

بهاش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها"

۶- فرهنگ سازگاری می‌یابد. فرهنگ دگرگون می‌شود و فراگرد دگرگونی آن همراه با تطبیق و سازگاری است.

۷- فرهنگ یگانه‌ساز است. عناصر هر فرهنگ گرایش به آن دارند تا پیکری یکپارچه و به هم بافته و سازگار پدید آورند و این سازگاری به زمان نیاز دارد.

همچنین فردلو تانز نیز شش ویژگی با شرح زیر برای فرهنگ عنوان می‌کند:

قابل یادگیری است.

اشتراکی است.

از یک نسل به نسل دیگر قابل انتقال است.

نمادی است. (استفاده از یک چیز برای نشان دادن چیز دیگری).

دارای الگو است. (تغییر در یک بخش به تغییرات در بخش دیگر منجر می‌شود).

قابل تعدیل است.

ریموند ویلیامز، فرهنگ را ((یکی از دو یا سه)) واژه ای می‌داند که بیشترین پیچیدگی را دارد (williams، ۱۹۷۶، ۷) نخستین معنایی که برای واژه ((فرهنگ)) به کار می‌بریم در چارچوب مردم‌شناختی یا جامعه‌شناختی مفهومی فراگیر است که مجموعه نگرش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، عرف‌ها، ارزش‌ها و اعمالی را توصیف می‌کند که در هر گروهی مشترک است. گروه را می‌توان برحسب سیاست، جغرافیا، مذهب، قومیت، یا برخی ویژگی‌های دیگر تعریف کرد (تراسپی، ۲۱، ۲۰۰۰)

تعریف دوم ((فرهنگ)) فعالیت‌هایی است که مبتنی بر روشنگری و پرورش ذهن است و نه کسب مهارت‌های فن یا حرفه‌ای محض. در چنین کاربردی این واژه بیشتر به صورت صنعت به کار می‌رود نه اسم (williams، ۱۹۷۶، ۸۱). مانند ((کالای فرهنگی))، ((نهادهای فرهنگی))، ((صنایع فرهنگی)) یا ((بخش فرهنگی اقتصاد))

با توجه به مفهوم فرهنگ و ویژگیهای آن می‌توان نتیجه گرفت که رفتار انسان اصولاً بر باورهای فرهنگی متکی است. باورهایی را فرهنگی می‌گوییم که به صورت نسبی در جامعه پذیرش زیادی دارند. منشأ این باورها متفاوت است. گاهی ریشه در شرایط تاریخی یا جغرافیایی یا مذهبی یا حوادث ویژه و یا در علم دارد. ولی آنچه که مسلم است این است که بخش اعظمی از باورهای فرهنگی در قالب اصول اعتقادی ظاهر می‌شوند و یا همچنین می‌تواند از تعاملات سازمانی ناشی شود.

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

رابطه فرهنگ و توسعه

امروز محققین، آینده پژوهان و سیاستگذاران به این باور رسیده‌اند که بعد از دوران جدال‌های نظامی (در گذشته تا دهه ۱۹۷۰) و رقابت‌های اقتصادی (چند دهه اخیر تاکنون) آینده، صحنه نبرد و رقابت فرهنگ‌های مختلف است. فرهنگ یعنی مجموعه پیچیده‌ای از بینش‌ها، احساسات، ارزشها، اندیشه‌ها، عقاید و رفتارهای نسبتاً پایدار و بادوام در یک جامعه. این مجموعه پیچیده معمولاً در قالب آداب و رسوم، هنر، آموزش، زبان، میراث فرهنگی و دین متجلی می‌شود. پس هر ملتی که دارای فرهنگ برتر باشد پیروز میدان کارزار آینده است (چه در حوزه سیاست و چه اقتصاد) این خود شاهد این مدعا است که توسعه فرهنگی، مقدم بر توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی است. به این ترتیب در آغاز قرن جدید، توسعه دیگر مفهومی صرفاً اقتصادی ندارد، بلکه نگاه‌ها بیش از همه به زمینه‌های فرهنگی اجتماعی که توسعه در آن تحقق یافته و نیز شرایطی که به آن فرهنگ خاص مربوط می‌شود معطوف شده است.

پیشرفت و توسعه، حاصل یک نگرش خاص به عالم است و بدون ایجاد این نگرش خاص، پیشرفت و ترقی ممکن نیست و این نگرش خاص بیانگر لزوم وجود یک (فرهنگ مناسب) برای توسعه است. بنابراین عامل فرهنگ از جایگاه ویژه‌ای در توسعه برخوردار است

به طور کلی توسعه فرایندی است پیچیده که طی آن جامعه از یک دوره تاریخی به دوره جدیدی منتقل می‌شود. این فرایند در هر مرحله از رشد خویش ابعاد مختلف زندگی را متحول می‌سازد. به این ترتیب توسعه مفهومی است ارزشی که همراه با فرض‌هایی هنجاری از الگوی انتزاعی از جامعه دلالت دارد.

رابطه فرهنگ و توسعه از دو دیدگاه قابل بررسی و حائز اهمیت است: اول اینکه فرهنگ را مجموعه‌ای بدانیم که در تمام عناصر عموماً مساعد یا مانع حرکت توسعه‌ای هستند، در این جایگاه، فرهنگ به عنوان یک مجموعه مؤثر بر فرآیند توسعه تلقی می‌شود. دوم اینکه فرهنگ را به عنوان مجموعه‌ای که در فرآیند توسعه، شکل گرفته و محصول توسعه تلقی می‌شود، بپذیریم.

در حالت اول فرهنگ، از عوامل مؤثر بر توسعه است و در حالت دوم نتیجه توسعه. حالت اول رابطه فرهنگ و توسعه را می‌توان به (فرهنگ توسعه) تعبیر نمود و حالت دوم را به (توسعه فرهنگی).

از اولین کسانی که به شکل جدی از تأثیر فرهنگ و عناصر فرهنگی در شروع و تداوم فرآیند توسعه سخن گفته‌اند، می‌توان ماکس وبر را نام برد. وبر از راه تحقیق در رابطه بین توسعه اقتصادی در نظام سرمایه داری و مذهب پروتستان به این نتیجه رسید که سه بدعت عمده در اصول فکری مسیحیان پروتستان وجود داشته که به نظر او پروتستانها را پیشگام نظام سرمایه داری کرده است. این سه بدعت عبارتند از:

بهاش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

۱- منع هرگونه سلطه میان خالق و مخلوق

۲- دخالت عقل در ایمان

۳- کوشش برای بهبود معاش و یا رسالت کار

از نظر وبر، بدعت سوم نقش اصلی را در توسعه اقتصادی نظام سرمایه داری ایفا کرده است. به نظر او اخلاق پروتستانی که از مردم دعوت می کند از تنبیلی و سستی در کار اجتناب کنند و با کوشش، جوامع خود را صنعتی نمایند، یکی از مهمترین عوامل پیشرفت اقتصادی نظام سرمایه داری محسوب می شد. همین بینش است که گردآوری مال و ثروت را مکروه نمی داند و صرفه جویی و امساک را همواره می ستاید.

به عقیده ماکس وبر و کسانی که به ارزیابی نظر او پرداخته اند عناصری چون توجه به رسالت کار، دخالت عقل، مکروه نداشتن گردآوری ثروت، امساک و صرفه جویی، اصالت فرد (فردگرایی)، داشتن روحیه خلاق و .. از جمله عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی است.

پیش نیازهای فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی را می بایست به ترتیب زیر خلاصه کرد:

۱- نگرش مطلوب نسبت به دنیا و مظاهر آن

۲- نگرش و برخورد علمی با مسائل اهمیت دادن به نقش عقل

۳- اعتقاد به آزادی ابراز اندیشه

۴- اعتقاد به برابر بودن انسانها و احترام به حقوق دیگران

۵- لزوم نظم پذیری جمعی

۶- عدم تعارض فرهنگی در جامعه

۷- اعتقاد به توسعه

بی توجهی و کم توجهی به آن تمام برنامه های توسعه را با ناکامی مواجه خواهد ساخت. بنابراین لازم است به صورت خاص رابطه فرهنگ و توسعه را کاملاً شناخته و در برنامه های توسعه به آن توجه کافی مبذول داشت.

اقتصاد مقاومتی

نخستین مفهوم قابل استنباطی از اقتصاد مقاومتی این است که ما در جهانی زندگی کنیم که دشمن در عرصه های مختلف حضور دارد یکی از این عرصه ها، فعالیت اقتصادی است. به عبارت دیگر در یک میدان رقابتی، تعاملی و تخصصی داریم

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

که می بایست جهت نیل به اهداف این فضا را مدیریت کنیم. از این رو وقتی می گوئیم اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه ما می خواهیم از حیثیت و هویت خودمان در مقابل دشمن یا رقیب دفاع کنیم و باید هر الزامی را که این مقاومت و دفاع نیاز دارد، وارد برنامه ریزی و استراتژی های اقتصادی خود کنیم. با این تعریف اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی ملت،

یا گروه اجتماعی مقاومتی اشاره دارد که در راستای احقاق حقوق خود یا پیگیری اهداف سیاسی که از نظر آنها بر حق است، مبارزه می کنند. هرچقدر اقتصاد ملت یا گروه اجتماعی مقاوم، به آنها در راستای تحقق اهداف مقاومت بیشتر یاری رساند مقاومتی تر است.

قاعدتا در چنین فضایی هم دشمن بیرونی وجود دارد و هم دشمن داخلی و از طرف دیگر امکانات بیرونی و داخلی نیز فراهم است. این را اقتصاد مقاومتی می گوئیم، یعنی اقتصادی که این نوع مولفه ها را به خوبی می فهمد و آن را مدیریت می کند. اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی بیگانه نیست، بلکه می توان گفت یک نوع مکمل قضایی آن است که به ضرورت زمان فعلی ما باز می گردد و در شرایط فعلی تحریم ضرورت آن دوچندان است (پیت والاین، ۲۰۰۹)

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و در پی آن تلاش برای کنترل و بی اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که به طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید دال و تلاش برای خود اتکایی است

نکات ویژه در اقتصاد مقاومتی

منظور از اقتصاد واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته. چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر مهم حرکت و پیشرفت تعریف می شود (جانستون، ۲۰۰۵)

۱- اقتصاد مقاومتی باید الهام گرفته از نظام فرهنگی اسلامی و مبتنی بر فرهنگ دینی باشد

۲- توجه ویژه به توان و قدرت و استعداد و ظرفیت ملت در این موضوع ضروری است

۳- اقتصاد مقاومتی نیازمند مقاومت مدبرانه است

رابطه فرهنگ و اقتصاد مقاومتی

شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با جمعیت اکثریت شیعه، دارای اهداف و آرمان های متعالی، تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه، قرار داشتن در نوک پیکان دشمنی های بین المللی و مقاوم در مقابل تهدیدها و ریاده طلبی های استکبار که خواهان الگوشدن برای جهان اسلام است، باعث شده تاروند اقتصادی، اجتماعی و به تبع آن سبک زندگی فعلی حاکم بر جامعه ایرانی مطلوب نباشد و به دلیل تداوم خصومت های استکبار با جمهوری اسلامی، دستیابی به

بهاش ملی اقتصاد مقاومتی "حالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

الگوی جدیدی از پیشرفت که اهداف والای انقلاب اسلامی از جمله پیشرفت و عدالت را فراهم نموده و در مقابل تهدیدات خارجی مستحکم و ضربه ناپذیر باشد. به طور کلی به دلیل ماتریالیستی بودن بنیان فکری نظام های غربی، اقتصاد مقاومتی تحت چنین نظام های اقتصادی و سیاسی به سختی امکان پذیر است چرا که سودمحوری تنها فعالیت های سود محورانه را منطقی و عقلی می داند درحالی که در اقتصاد مقاومتی هدف تک تک افراد جامعه حداکثر کردن سود و نفع شخصی نیست (سرخه دهی)

اگر جامعه ای باور نداشته باشد که دشمنانی سلطه گر بر آن هستند تا جامعه را نابود سازند و بر آن سلطه یابند، هرگز اقتصاد مقاومتی برای رهایی از فشارهای دشمنان شکل نخواهد گرفت. بنابراین، می بایست جامعه به این باور برسد که می تواند و دشمنی دارد که می کوشد تا این توان را از وی سلب کند و او را وابسته به خود سازد و استقلال او را مخدوش سازد. در این صورت است که اقتصاد مقاومتی شکل می گیرد.

اقتصاد مدرن (یعنی انتزاع نظری، تحلیل ریاضی و اتکایش بر روش بی طرفانه علمی برای آزمون فرضیه ها) نمی تواند فارغ از ارزش باشد. به همین نحو می توان گفت که اقتصاد به مثابه کوشش عقلانی نمی تواند فارغ از فرهنگ باشد (تراسپی ۲۰۰۰:۲۷)

ویلیام جکسن ((ماتریالیسم فرهنگی)) را تامین کننده ابزار ادغام مجدد فرهنگ به شکل اقتصاد در همان دنیای طبیعی و مادی می داند (Jackson، ۱۹۹۶، ۲۲۱) در واقع همان طور که کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه سازمان ملل (۱۹۹۵) به نحوی کاملاً شفاف بیان کرده است، مفاهیم فرهنگ و توسعه در هر جامعه ای به طرز تفکیک ناپذیری درهم تنیده شده است.

اگر فرهنگ را مجموعه ای از ارزش ها، عقاید، سنت ها، آداب و رسوم و جر آن دانست که در خدمت تعیین هویت و به هم پیوستن یک گروه است، در این صورت دشوار نیست که بگوییم فرهنگ بر نحوه فکر و عمل افراد در گروه تاثیر می گذارد و همچنین تاثیر مهمی بر نحوه رفتار گروه به عنوان یک کل دارد (تراسپی، ۸۸، ۲۰۰۰)

در قلمرو محدود گفتمانی _ عقلی علم اقتصاد می توانیم به هم پیوستگی مکاتب فکری، خواه مارکسیست، اتریشی، کینزی،

نئوکلاسیک، کلاسیک جدید، نهادگرایی یا نظایر آن ها را به عنوان فرگردی فرهنگی تفسیر کنیم. با وجود این، تاثیر

فرهنگ بر تفکر اقتصاد دانان، از این هم بیشتر است، زیرا ارزش های فرهنگی که به ارث می برند یا می آموزند تاثیر عمیق و اغلب ناشناخته ای بر برداشت ها و نگرش هایشان دارد (تراسپی، ۲۷، ۲۰۰۰)

برای مثال روح فردگرایی موجود در فرهنگ آنگلو ساکسون را که برای نخستین بار در بحث آدام اسمیت درباره تقسیم کار مطرح شد و سپس از جانب اقتصاددانان سیاسی ممتاز قرن نوزدهم به ویژه جان استوارت میل شرح وسط یافت می توان فراهم کننده شرایطی برای انتشار انقلاب صنعتی در بریتانیا و ایالات متحده دانست (Landes، ۱۹۶۹)

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

اصطلاح ((صنعت فرهنگی)) در ۱۹۴۷ از جانب ماکس هورکهایمر و تئودور آدورنو از پیروان مکتب فرانکورت به عنوان کیفرخواست مآیوسانه کالایی شدن ذاتی در فرهنگ توده ای رایج شد. به نظر آنان فرهنگ به وسیله فن آوری و ایدئولوژی انحصار طلب سرمایه داری دگرگون می شود. به عقیده آن دو، تفسیر اقتصادی فرگردهای فرهنگی نشانه یک فاجعه بود. از آن زمان به بعد مفاهیم مربوط به کالایی شدن فرهنگ به شیوه های متفاوتی توسعه یافت که نشان دهنده بافتاری شدن های متفاوت فرهنگ درون یک قلمرو فراگیر اقتصادی است (Adorno & Horkheimer, ۱۹۴۷)

فرهنگ بر پیامدهای اقتصادی گروه از سه راه تاثیر می گذارد:

فرهنگ بر کارایی اقتصادی تاثیر می گذارد یعنی از طریق ترویج ارزش های مشترک درون گروه که راه های انجام فراگردهای اقتصادی تولید توسط اعضای گروه را تعیین می کنند

۲- فرهنگ بر انصاف تاثیر می گذارد برای مثال با القای اصول اخلاقی مشترکی که سبب می شوند دغدغه دیگران را داشته باشد و بنابراین ایجاد سازوکارهایی را تشویق می کنند که این دغدغه به وسیله آنها بیان می شود

۳- می توان فرهنگ را تاثیرگذار بر اهداف اقتصادی و اجتماعی یا حتی تعیین کننده اهدافی اقتصادی و اجتماعی دانست که گروه تصمیم می گیرد آن ها را تعقیب کند مثلاً تعقیب پاداش مادی به نفع اهداف غیر مادی برای تاثیر بر آهنگ و مسیر رشد اقتصادی (تراسپی ۲۰۰۰، ۸۸)

مهندسی فرهنگی اقتصاد مقاومتی

مهندسی فرهنگی را می توان براساس یک تعریف طراحی نظام های تغییر دهنده فرهنگ موجود با ایجاد تغییراتی گسترده در نظام های موجود فرهنگ ساز جامعه تلقی کرد به نحوی که بتواند تحولات و تغییرات تدریجی جامعه را به سمت تحقق اهداف فرهنگی از پیش تعریف شده هدایت کند. طبق برخی نظرات، درک تاثیر و تاثرات فرهنگی ناشی از جریان پرتلاطم تغییرات و تحولات تاثیرگذار بر دیگر ابعاد زندگی بشر بوده است. شناخت این تغییرات و تاثرات به خصوص عوامل و روابط اقتصادی برای ممانعت از شکل گیری بحران های پر دامنه آینده ضروری است. ارائه الگویی که هویت فرهنگی را با توجه به تاثرات تحولات اقتصادی در نظر گیرد، موضوع مهندسی فرهنگی را مطرح می سازد. مهندسی فرهنگی معمولاً به میزان و نحوه دخالت دولت در فرهنگ اشاره می کند. بنابراین هرچه در مهندسی فرهنگی روابط متقابل بین تاثرات و تعاولات اقتصادی و فرهنگی بیشتر و بهتر تبیین شده باشد می تواند روابط متقابل مسائل اقتصادی و فرهنگی را در حد متعادل تری تعیین کند

به طور کلی نظریه پردازان نظریه دیالکتیک بیشترین توصیه ها را در مورد ضرورت وامکان دخالت در فرهنگ و مبارزه جهت بازسازی فرهنگ جامعه مطرح نموده اند. اگر بتوان انقلاب اسلامی را یک انقلاب متأثر از فرهنگ و تعالیم اسلامی

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

ایرانی تلقی نمود، در این صورت مهندسی فرهنگی باید شکاف بین معیارها و واقعیات را جستجو کند و به نحوی تالیف آن را تامین نماید. از نظر اسلامی، آنچه که هست (واقعیات) می تواند آنچه را که باید باشد را تحت الشعاع قرار دهد

جهت انجام مهندسی فرهنگی بایستی نسبت به ماهیت اجرای تشکیل دهنده فرهنگ جامعه شناخت داشته باشیم. اندیشه، آداب و رسوم اقتصادی از جمله عوامل تشکیل دهنده فرهنگ یک جامعه به حساب می آید. پس از شناخت فرهنگ و اجزای مختلف آن و همچنین بومی نمودن دانش مهندسی فرهنگی باید تکلیف خود را با فرهنگ مشخص نمایم تا سیستم های غربی نتواند برای ما تعیین تکلیف کند و ما مصرف کننده آنها به خصوص در حوزه علوم انسانی باشیم عمل مهندسی فرهنگی باید طراحی و محاسبات فنی کار از مرحله نظر تا اجرا باشد تا بتواند الگوسازی نماید

قطعا اولین کار برای مهندسی فرهنگی درک صحیح مفهومی است. هم از کارکردهای فرهنگ، اجزای تشکیل دهنده آن، باورها، هنجارها و چیزهای ارزشی، چون بین معیارهای ارزشی الان تفاوت وجود دارد که خودش را در استراتژی صنعتی کشور نشان داده است

در مهندسی فرهنگ اقتصادی، هدف آن است که فرهنگی که اقتصاد مبتنی بر آن شکل گرفته است را مدیریت و تغییر دهیم تا چنان در جامعه شکل گیرد که مبتنی بر اهداف اصلی تصمیم سازان و تصمیم گیران کلان جامعه است.

در حوزه مهندسی فرهنگ اقتصادی مقاومتی نیز می بایست دو اصل اساسی توانستن و سلطه مستکبران و دشمنان پذیرفته شود تا اقتصاد مقاومتی شکل گیرد. اگر جامعه به این باور نرسد که می تواند در حوزه اقتصادی مثلا به استقلال و خود کفایی برسد یا این که وجود دشمنان و سلطه گران مستکبر و متجاوز را تو هم بشمارد، هرگز اقتصاد مقاومتی شکل نخواهد گرفت.

بنابراین، لازم است تا با سیاست گذاری و برنامه ریزی های مشخص این راهبرد اقتصاد مقاومتی در جامعه اسلامی به عنوان یک فرهنگ درآید. این جاست که مثلا غرفه سازی از طریق بسیج تمامی امکانات تبلیغی و رسانه ای برای افکار سازی ضروری می شود، زیرا می بایست جامعه به این باور برسد که می تواند و فشارهای دشمن را می بایست بشناسد و از سر راه بردارد.

به سخن دیگر، دست کم دو عنصر فکری و فرهنگی در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش اساسی را دارد که عبارت از خودباوری و فشارهای دشمنان است.

از آنجایی که مهندسی فرهنگ اقتصادی مقاومتی مانند هر حوزه دیگر، نیازمند تولید دانش و ادبیات متناسب با آن می باشد می باید در حوزه مدیریت پژوهش اقتصادی نیز وارد شد. و ادبیات جدیدی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی تولید و در جامعه رایج کرد و آن گاه در مدیریت آموزش آن ادبیات و فرهنگ تولید شده را در اذهان قرار داد تا افراد جامعه با این رویکرد جدید انس گیرند.

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

البته ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی بخشی از مهندسی آن است. به این معنا که فراتر از آموزش می بایست به دنبال ایجاد الگوهای عملی برای فرهنگی اندیشیدن و فرهنگی رفتار نمودن جامعه در حوزه عملکردهای اقتصاد مقاومتی باشیم. در همین راستا می بایست همه رسانه ها و مراکز دولتی و خصوصی و نیمه دولتی و عمومی به کار گرفته شود تا فرهنگ اقتصاد مقاومتی در همه جا به عنوان یک دغدغه اصلی جامعه مطرح و به عنوان یک ارزش اساسی جامعه ترویج شود.

با آنچه گذشت دانسته شد که همه حوزه های زندگی بشر تحت تاثیر یکدیگر عمل می کنند؛ به این معنا که بینش ها در رفتارها و رفتارها در بینش ها تاثیر گذار هستند. از این روست که اگر ما برای جامعه انسانی سه وجه سیاست، اقتصاد و فرهنگ قایل شویم، هر سه حوزه در هر اقدام مثبت و منفی تحت تاثیر مستقیم یک دیگر قرار می گیرند. اصلاح و افساد هر یک از این سه حوزه بی درنگ یا در یک فرآیندی ابعاد دیگر جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. از این رو همواره میان حوزه های گوناگون داد و ستد مطرح است. پس نمی توان برای یک حوزه بی توجه به تاثیرات یا تاثرات حوزه های دیگر برنامه ریزی کرد. این بدان معنا خواهد بود که در مهندسی فرهنگ اقتصاد مقاومتی می بایست حوزه دیگر چون سیاست مدنظر قرار گیرد. این جاست که به نقش کلیدی مثلا سیاست مداران و کارگزاران نظام سیاسی برای دست یابی به اقتصاد مقاومتی می بایست توجه داشت. مشکلات فرهنگی می تواند متاثر از اقتصاد یا سیاست باشد یا مشکلات سیاسی جامعه تحت تاثیر مشکلات اقتصادی یا فرهنگی جامعه قرار گیرد. بنابراین در مهندسی می بایست همواره از توسعه نامتوازن جلوگیری کرد و اگر کاری انجام می شود دست کم در سه بعد اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه به شکل متعادل و متوازن انجام گیرد. از این روست که گاه سخن از مهندسی جامع مطرح می شود تا از هرگونه رشد کاریکاتوری و نامتوازن جلوگیری کرد و عدالت را در میان سه گانه ها رعایت نمود. چنان که گفته شد، مهندسی فرهنگی نوعی مدیریت فرهنگ سازی است تا الگوهای فرهنگی و رفتار جامعه در جهت اهداف متعالی جامعه مدیریت و ساماندهی شود. شکی نیست که آغاز چنین تحولی در جامعه باید از سوی مدیران و کارگزاران ارشد نظام در همه سازمان ها و نهادهای وابسته به نظام آغاز گردد؛ چرا که مردم بر دین رهبران و آیین ملوک خویش هستند (الناس علی دین ملوکهم). تغییرات رفتاری در جامعه نیز می بایست همراه با تعمیق شناخت و اصلاح زیربنایی در نظام جزیی درون سازمانی انجام پذیرد. مهندسی فرهنگ اقتصادی در کنار مهندسی فرهنگی به معنای احیای نوع متفاوتی از مدیریت جامع اقتصادی نظام کشور است که بر اساس آن اهداف جامعه از حاشیه به متن آورده می شود و در انتخاب هر راهبرد، خط مشی، طرح برنامه مدنظر قرار می گیرد.

راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی

شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت یکی از الزامات کشور در رسیدن به جایگاه واقعی اقتصاد در عرصه جهانی و تحقق آن می باشد برای تحقق اقتصاد مقاومتی لازم است تعامل و همکاری سازنده بین مردم و دولت صورت گیرد

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

۱- مدیریت مصرف

امروزه تعادل در مصرف یک حرکت جهادی است و مردم باید موضوع پرهیز از اسراف و استفاده از تولدات داخلی را جدی بگیرند. جلوگیری از هرگونه اسراف و تبذیر مهم ترین اصل در ارائه یک الگوی اسلامی مصرف است

۲- قناعت (ساده زیستی و دوری از تجملات)

اقتصاد مبتنی بر قناعت بر مبنای مصرف به مقدار کفایت است که مهم ترین عامل در ایجاد آسایش پایدار و راحتی دانسته شده است. مردم جامعه باید تفکر خود را نسبت به مصرف تغییر دهند و از مصرف گرایی و هزینه های غیر ضروری در همه موارد خودداری کنند

ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی

مردم حق استفاده از کالای با کیفیت را دارند اما ترجیحاً باید کالای ساخت داخل را مصرف کنند و این امر نیازمند تحکیم نگاه علمی است به نحوی که تولید کنندگان عرصه تولید دولت و دانشگاهها می بایست حلقه ارتباط صمیمی و تعامل پایداری با یکدیگر داشته باشند زیرا صیانت از اعتبار تولید داخلی در عرصه جهانی وظیفه اسلامی و ملی است

ارتقای سهم بخش خصوصی در اقتصاد

نقش پررنگ دولت در اداره کارها می بایست کاهش یابد و به جای آن روند نظارت بر کارها و هدایت امور توسط دولت توسعه یابد. دولت به عنوان ارکان اجرایی و تصمیم ساز که ابرازهای لازم اقتصادی را در اختیار دارد می تواند حرکات کیفی تری را در تمام عرصه ها از خود نشان دهد

نتیجه گیری

تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از الزامات اقتصاد ایران نیازمند شرایطی است که یکی از الزامات آن توجه به فرهنگ و مهنددسی فرهنگی می باشد دستیابی به اقتصاد مقاومتی نیازمند بستر سازی و ایجاد شرایط و زمینه هایی است که اگر تحقق نیابد نمی توان امید داشت که اقتصاد مقاومتی در جامعه شکل گیرد. فرهنگ نقش اساسی و تعیین کننده در هر نوع تحولی از جمله تحول اقتصادی دارد. اولین شرط حرکت به سمت تولید ملی و اقتصاد مقاومتی داشتن روحیه جهادی است و روحیه ای یک ملت، بیش از هر چیز دیگر به فرهنگ او برمی گردد از مهمترین عواملی که اقتصاد مقاومتی بر بنیاد آن شکل می گیرد، بینش، نگرش و فرهنگ جامعه بوده که به عنوان موتور محرکه ی فعالیت های انسانی مطرح است

همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها" دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه ما می خواهیم از حیثیت و هویت خودمان در مقابل دشمن یا رقیب دفاع کنیم و باید هر الزامی را که این مقاومت و دفاع نیاز دارد، وارد برنامه ریزی و استراتژی های اقتصادی خود کنیم. با این تعریف اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی ملت، یا گروه اجتماعی مقاومتی اشاره دارد که در راستای احقاق حقوق خود یا پیگیری اهداف سیاسی که از نظر آنها بر حق است، مبارزه می کنند. هرچقدر اقتصاد ملت یا گروه اجتماعی مقاوم، به آنها در راستای تحقق اهداف مقاومت بیشتر یاری رساند مقاومتی تر است.

مهندسی فرهنگ اقتصادی در کنار مهندسی فرهنگی به معنای احیای نوع متفاوتی از مدیریت جامع اقتصادی نظام کشور است که بر اساس آن اهداف جامعه از حاشیه به متن آورده می شود و در انتخاب هر راهبرد، خط مشی، طرح برنامه مدنظر قرار می گیرد.

منابع

۱- رضایی عبدالعلی، ۱۳۸۱ جایگاه دولت در برنامه ریزی فرهنگی و دامنه تاثیرگذاری آن " فصلنامه شورای انقلاب فرهنگی عمومی شماره ۳۳

۲- کدیور محسن: ۱۳۷۶ نظریه دولت در فقه شیعی (اندیشه سیاسی در اسلام) تهران نشرنی

۳- تراسپی، دیوید ۲۰۰۰ اقتصاد و فرهنگ ترجمه کاظم فرهادی نشر نی چاپ پنجم

۴- williams Raymond ۱۹۷۶ keywords a vocabulary of popular culture . Edinburgh university press

۵- Peet .r & H ELAINE (۲۰۰۹) theories of development contentions Arguments Al ternatives the Guilford press

۶- Johnston dc(۲۰۰۵) richest are leaving even the rich behind new York times pp ۱.۱۷ june

۷- راهکارها و چالشهای تحقق سبک زندگی اسلامی به مثابه بستر تحقق اقتصاد مقاومتی فاطمه سرخه دهی

دانشگاه رازی ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴
همایش ملی اقتصاد مقاومتی "چالشها، واقعیتها، راهکارها"

۸- lands david ۱۹۶۹ the unbound Prometheus :thechnological changes and industrial policy London macmillian

۹- Adorno theodor& Horkheimer max ۱۹۴۷ dialektik der aufklidurng philosophiche fragment london